

عبدالله فریار

امپراتوری زنگ *

در نیمه دوم قرن چهارم هجری حکومت بزرگی در سواحل آفریقای شرقی تأسیس گردید که منابع موجود و روایات آنرا به دریانوردان شیرازی نسبت میدهند و مؤسس آنرا يك شاهزاده ایرانی موسوم به علی بن حسن شیرازی می دانند. این حکومت در اغلب تواریخ به نام امپراتوری زنگ یاد شده است. پایتخت آن کیلوا کیسیوانی Kilwa-Kisiwani بود که نام جزیره ای است در کنار ساحل و در ۲۳۰ کیلومتری جنوب دارالسلام کنونی قرار دارد. این جزیره به وسیله تنگه باریکی از ساحل جدا شده است. امپراتوری زنگ را به نام پایتخت آن سلطنت کیلوا نیز خوانده اند. منابع تاریخی درباره این امپراتوری که اکنون در دست است، از این قرار است:

۱ - وقایع نامه کیلوا - این وقایع نامه به زبان عربی نوشته شده است ولی نام نویسنده آن معلوم نیست. از قرار معلوم وی در کیلوا متولد شد و در همانجا وفات یافت. نام اصلی این وقایع نامه عبارت است از کتاب الصلوا فی اخبار کیلوا. در سال ۱۸۶۲ یعنی کمی متجاوز از صدسال پیش

* این مقاله فصلی است از کتاب سرزمین و مردم آفریقای شرقی به قلم نویسنده این سطور

شیخ محی‌الدین زنگباری نسخه مختصری از اصل کتاب تهیه کرد که توسط سلطان زنگبار به سرکنسول انگلیس سر جان کرک Sir John Kirk اهدا شد. وی در سال ۱۸۸۳ این نسخه را به موزه بریتانیا هدیه کرد و در صفحه اول آن به عنوان توضیح نوشت: «یادداشت‌هایی درباره تاریخ کیلوا توسط شیخ محی‌الدین زنگباری ۱۸۶۲. از زمان آمدن ایرانیان تا فتوحات پرتغالیها». این نسخه کتاب تحت شماره ۲۶۶۶ OR در موزه بریتانیا ضبط است. استرانگ متن آن را تصحیح کرد و خلاصه آن را با حواشی و توضیحات در مجله انجمن سلطنتی آسیایی به چاپ رسانید. مورخ معروف پرتغالی موسوم به دوباروس De Barros ظاهراً از آن اطلاع داشته و در نوشتن کتاب خود از نسخه اصلی وقایع‌نامه استفاده کرده است و آن را به نام Chronica dos Reis de Kilwa ذکر کرده است. معلوم نیست دوباروس عربی می‌دانسته یا برای او ترجمه کرده‌اند. اغلب اسامی را غلط ثبت کرده است. نسخه اصلی وقایع‌نامه در دست نیست و ممکن است در مجموعه خصوصی یکی از اهالی زنگبار باشد. نسخه عربی موجود متأسفانه تا آخر فصل هفتم بیشتر نیست. از سه فصل بعد یعنی تا فصل دهم فقط عنوان فصل وجود دارد. نام ۳۹ نفر از ۵۱ پادشاه که نام بعضی از آنها در کتاب دوباروس نیامده است در آن دیده می‌شود. نام صحیح پادشاهان و مدت سلطنت آنها و بسیاری از وقایع تاریخی در وقایع‌نامه موجود است که به وسیله روایات و سکه‌ها و کتیبه‌ها و منابع دیگر می‌توان صحت آنها را تأیید کرد.

Strong, S. A. "History of Kilwa", in the "Journal of the Royal Asiatic Society. 1895. pp. 385 - 430.

۲- وقایع‌نامه مومباسا - این کتاب نیز به زبان عربی است. بخش اول آن در دست نیست. خمیس محمد الباجمی مجیوا کاله Khamis Mohammed el-Bajemi Mjiwakale یکی از اعراب ساکن بندر مومباسا که با زبان و ادبیات عرب بخوبی آشنایی داشت و تاریخ و روایات و مدارک دیگر سرزمین مومباسا را می‌شناخت معتقد بود که از وقایع‌نامه مومباسا نسخ متعدد تهیه شده است و در مجموعه‌های خصوصی موجود است. آنچه از نسخه مورد بحث وجود دارد در تصرف دولت انگلیس است. گمان می‌رود که نویسنده این وقایع‌نامه چندین نفر بودند که یکی پس از دیگری به نگارش آن پرداختند و اصل کتاب در قصر پادشاه نگاهداشته می‌شد.

۳- وقایع‌نامه وومباکوو - Vumba kuu این وقایع‌نامه به زبان عربی است و درباره ایالت وومباکوو که در ۷۰ کیلومتری مومباسا قرار داشت و در جنگ با بومیان یاغی در ۱۸۹۵ از بین رفت نوشته شده است. ولی بعضی از شیوخ که محتویات آن را به یاد داشتند خلاصه آن را برای سرچارلز هالیس Sir Charles Holis نقل کرده‌اند. سرچارلز هالیس تا سال ۱۹۲۵ مدیر کل حکومت تانگانیکا و بعد نماینده دولت انگلیس در زنگبار بود و کتاب جالب توجهی درباره طایفه ماسای Masai کنیا نوشته است.

۴- دوباروس De Barros مورخ پرتغالی در کتاب خود موسوم به Decadas da Asia de Joam de Barros که در سال ۲۳ - ۱۵۲۲ در لیسبون به اتمام رساند، بطور مفصّل درباره امپراتوری زنگ سخن گفته است و نام ۴۹ سلطان را ذکر می‌کند. خود او می‌گوید اطلاعاتش را از وقایع‌نامه پادشاهان کیلوا اخذ کرده است. بزرگترین نقص کار او در نقل اسامی است، مثلاً حسن و حسین را Hocen نوشته است. دوباروس یا عربی نمیدانسته، یا مترجم او اسامی را درست تلفظ نمی‌کرده است. در هر حال کتاب او منبعی

پرارزش و قابل اطمینان است ، زیرا علاوه بر نام پادشاهان و طول مدت سلطنت آنها مختصری درباره اقدامات و مرگ یا برکناری از قدرت هر يك نوشته است که با تطبیق با سایر منابع به روشن کردن تاریخ آن دوره کمک می کند .

۵ - سه مجموعه سکه که بین سالهای ۱۰۰۰ و ۱۵۰۰ میلادی به فرمان پادشاهان کیلوا ضرب شده است وجود دارد . يك مجموعه متعلق به آقای نورمن کینگ Norman King است که سر کنسول انگلیس در مستعمره آلمان در آفریقای شرقی بود . مجموعه دوم متعلق به ج . س لاسٹ G. S. Last و سوم متعلق به روینگتون Revington است . در سالهای اخیر آقای چیتیک N. N. Chittick که از طرف انجمن بریتانیایی تاریخ و باستانشناسی در آفریقای شرقی حفاریاتی در کیلوا و مافیا و نواحی دیگر کرده تعداد قابل ملاحظه ای سکه به دست آورده است که می تواند به روشن شدن تاریخ آن دوره کمک شایانی بنماید .

ژویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

کینگ در زمان جنگ جهانی اول مجموعه خود را به دست آورد و آن را به موزه بریتانیا هدیه کرد و پس از تحقیق معلوم شد که این سکه ها بین سالهای ۱۲۸۵ و ۱۴۹۳ به فرمان سلاطین کیلوا ضرب شده است . در مجموعه لاسٹ که در موزه بریتانیا است نام دو پادشاه دیگر دیده می شود . در مجموعه روینگتون که در جزیره مافیا پیدا شده نام پنج پادشاه کیلوا خوانده شده است . به غیر از این سکه ها که به زبان عربی است معدودی سکه به زبان فارسی نیز به دست آمده است . يك سکه از هلاکو خان است که روی آن نام منگو امپراتور مغول و نوه چنگیز خان حک شده است . هلاکو برادر منگو در سال ۶۳۷ هـ ق (۱۲۵۸ م) بغداد و دو سال بعد دمشق را تصرف کرد و سلسله ایلخانیان ایران را بنیان گذاشت . ایلخانیان گاهی روی سکه های خود نام

امپراتور مفلول چین را ضرب می کردند .

۶ - روایات و افسانه‌های متعددی وجود دارد که ممکن است اساس تاریخی داشته باشد . یکی از آنها مربوط به مهاجرت شیرازیها است که به تکمیل و تأیید مطالب و قایع‌نامه کمک می کند . این روایات شرح اقدامات قهرمانی مؤسس و بعضی از پادشاهان ساسانه و ابنیه زیبای سلیمان الحسن بزرگ و حمله طایفه وازیمبا Wazimba و آمدن پرتقالیها و انقراض سلسله کیلوا است .

۷ - خرابه‌ها که مهمترین آنها بقایای مسجد کیلوا کیسیوانی است که به سبک معماری ایرانی یا عرب است . این مسجد ۴ ستون زیبا در چهار ردیف داشته است و بین سالهای ۵۴ - ۵۵۸ ه . ق (۷۹ - ۱۱۶۱ م) توسط سلیمان الحسن سلطان کیلوا ساخته شده است . در سالهای اخیر حفاریات عمده‌ای در کیلوا انجام یافت و آثار و ابنیه دیگری کشف شد ، ولی گزارش همه آنها هنوز به چاپ نرسیده است . از ابنیه تاریخی دیگر مسجد کزیمکازی Kizimkazi و کتیبه کوفی آن در زنگبار و مسجد مگادیشواست که در سال ۶۳۶ و ۶۶۷ هجری بنا شده اند . آثار و خرابه‌های ابنیه دیگر در جزیره تومباتو در شمال غربی زنگبار و جزیره پمبا و در مالیندی و مومباسا و نقاط دیگر وجود دارد که مستازم حفاری و مطالعه دقیق است . در اغلب این بناها اثر معماری عرب و ایرانی دیده می شود و مردم این نواحی آنها را ابنیه شیرازی می نامند .

۸ - گزارش و نوشته‌های مسافران و سیاحان و جغرافی دانهای عرب مانند ابن بطوطه و یاقوت و مسعودی و ابوالفدا و ادیسی و غیره که در فصل گذشته با آنها اشاره شد مآخذ مهمی محسوب می شوند و همچنین گزارش و نوشته‌های سیاحان و مورخین اروپایی مانند دوباروس

(de Barros) ، داپر (Dapper) ، برتن (Burton) ، فلاد (Flad) ، دفرمری (Défrémery) ، گیلن (Guillain) ، کراف (Krapf) ، لیبلن (Lieblein) و غیره به روشن کردن تاریخ دوره‌های بعد کمک می‌کند .

۹ - در سالهای اخیر ، یعنی از ۱۹۵۷ تا ۱۹۶۴ ، از طرف انجمن بریتانیایی تاریخ باستان‌شناسی در آفریقای شرقی British Institute of History and Archaeology in East Africa حفاریات علمی عمده در کیلوا کیسیوانی و جزیره مافیا و بعضی نقاط دیگر تحت نظر آقای چیتیک H. N. Chittick بعمل آمده است. به غیر از مسجد کیلوا خرابه‌های قصرهای پادشاهان کیلوا و مقادیر زیادی ظروف سفالی و تعداد قابل ملاحظه‌ای سکه به دست آمده است . اگرچه نتیجه این تحقیقات هنوز کامل نیست آقای چیتیک معتقد است که تاریخ تاسیس سلسله کیلوا می‌باید حدود ۲۰۰ سال دیرتر از تاریخی باشد که در وقایع نامه ذکر شده است . و همچنین ایرانی بودن مؤسس سلسله کیلوا مورد تردید است یعنی شواهد کافی مبنی بر اینکه آنها از شیراز آمده باشند تا به حال به دست نیامده است . البته حفاریات و تحقیقات زیادتر در کیلوا ونواحی دیگر باید بعمل آید تا حقیقت کشف گردد . از طرف دیگر ممکن است تحقیقات تاریخی در ایران و در تواریخ و نوشته‌های دوران سلسله آل بویه به روشن شدن این مسأله کمک نماید . در هر حال تا روشن شدن مطالب فوق ما به اتکای مطالب وقایع نامه و منابع دیگر به شرح تاریخ آن دوره که از نظر ما ایرانیان جالب توجه است می‌پردازیم .

تاسیس امپراتوری زنگ یا کیلوا

علائم و آثار تاریخی منابع نامبرده تاسیس امپراتوری زنگ را با سلسله

آل بویه در ایران مربوط می‌نماید. این سلسله شیعه‌مذهب ایرانی در سال ۳۱۱ هـ (۹۳۲ م.) آغاز شد و نفوذ آن تا بغداد بسط یافت. بطوری که خلیفه را تحت الشعاع قرارداد و در سال ۴۳۴ هـ (۱۰۵۵ م.) سلسله آل بویه به وسیله مؤسس سلسله سلجوقی منقرض شد.

باینکه در مطالب وقایع نامه و روایات در مورد نام و تعداد پادشاهان و جزئیات دیگر اختلافاتی مشاهده می‌شود، درباره زمان و نام و اعمال مؤسس سلسله و موطن اصلی او اختلافی نیست و همه ایران را وطن مؤسس این امپراتوری و شیراز را زادگاه او می‌دانند.

سه منبع عمده، یعنی کتاب دوباروس پرتقالی و وقایع نامه کیلوا و روایات موجود، در اصول مطالب یعنی موارد زیر باهم مطابقت دارند و این موارد عبارت است از: اول آنکه مؤسس حکومت و سلسله با خاندان و عده زیادی نیرو و کشتی از ایران آمد. دوم آنکه زادگاه اصلی او شیراز بود. و باینکه لشکریان خود را از آنجا جمع آوری و مسلح کرد. سوم آنکه پدر او سلطان حسن بن علی بر قسمتی از جنوب ایران و شهر شیراز سلطنت داشت. چهارم آنکه مؤسس و اولین پادشاه سلسله علی بن حسن بن علی نام داشت. پنجم آنکه علی بن حسن بانی مومباسا و کیلوا است و ششم آنکه همه حکومت‌های کوچک عرب سواحل را تحت تسلط خود درآورد و هفتم آنکه تاریخ ورود این عده نیمه دوم قرن چهارم هجری یعنی در حدود سال ۳۶۴ هـ (۶ - ۹۷۵ م.) می‌باشد.

اینک نظر مختصری به تاریخ ایران در زمان سلطنت آل بویه بیندازیم. از جمله مورخینی که درباره این سلسله به‌طور تفصیل نوشته‌اند عزالدین ابوالحسن محمد بن اثیر است که در سال ۵۵۵ هـ متولد شد و در سال ۶۳۰ وفات یافت. وی در کردستان چشم‌گشود و در موصل سکنی گزید و در بیست و یک

سالگی به مسافرت و سیاحت پرداخت و بسیاری از بلاد آن زمان را دید .
و پس از مراجعت کتب متعدد نوشت از جمله کتابی به نام *الکامل فی التاریخ*
که به کامل ابن اثیر شهرت دارد ، در چندین مجلد و *تاریخ اتابکان* و کتابی
درباره اصحاب حضرت محمد (ص) به نام *اسد الغابه فی معرفة احوال*
الصحابه .

سلسله آل بویه در زمان خلافت خلیفه القاهر (۳۲۰ - ۳۲۲ هجری)
(۹۳۲ - ۹۳۴ میلادی) توسط ابوشجاع دیلمی که خود را از دودمان ساسانیان
می دانست تأسیس گردید . ابوشجاع در دیلم حکومتی بنیاد نهاد و به تدریج
عزائم استقلال برافراشت . پسر ارشد او ابوالحسن علی عمادالدوله امیر کرج
شد و پسر دوم او ابوعالی الحسن رکن الدوله بر همدان و نواحی آن حکومت
می کرد و پس از چندی ری و اصفهان را تصرف کرد و از سال ۳۳۸ هـ (۹۵۰ م)
تا ۳۵۸ هـ (۹۷۰ م) به عنوان معمرترین خاندان امیر بزرگ همه آل بویه
محسوب می شد . پسر سوم ابوشجاع به نام معزالدوله اول بر کرمان و
اهواز و سپس بر بغداد که آن را در سال ۳۳۲ هـ (۹۴۵ م) تصرف کرد
حکومت راند . وی خلیفه را مجبور کرد اختیارات سیاسی به وی تفویض
کند و به او لقب سلطان بدهد .

هر سه برادر در حیطة سلطنت خود استقلال داشتند ولی ظاهراً حکم
خلیفه را قبول می کردند . سلسله آل بویه در زمان سلطنت علاءالدوله جانشین
معزالدوله به اوج قدرت خود رسید . وی حدود کشور را از دریای خزر تا
خلیج فارس و از هند تا سوریه بسط داد ولی پس از مرگش بین جانشینان
او اختلاف افتاد و سلسله آل بویه در اثر منازعات داخلی رو به ضعف نهاد .
پسر دوم رکن الدوله ابوالحسن علی نام داشت و لقب فخرالدوله یافت
و از سال ۳۶۳ تا ۳۶۸ هـ (۹۷۵ - ۹۸۰ م) بر ری حکومت می کرد . سپس

با پسر عموی خود شجاع‌الدوله اختلاف پیدا کرد و مجبور شد به جنوب ایران فرار کند در آنجا پنهان شود. به روایت دیگر شجاع‌الدوله او را تا سال ۳۷۱ هجری در زندان نگاه داشت و سپس ایالت همدان و اصفهان را به وی واگذار کرد و او تا سال ۳۷۸ در آنجا حکومت کرد ولی در آن سال یکی دیگر از عموزاده‌هایش موسوم به ابونصر بر عایبه او طغیان کرد. این منازعات تا سال ۳۸۵ ه. که وفات کرد ادامه داشت. اولاد او بر ایالات کوچک بین‌النهرین تا مدتی به حکومت خود ادامه دادند. احتمال دارد که شخصی که در وقایع‌نامه کیلوا به او اشاره شده است ابوالحسن علی فخرالدوله باشد.

ارتباط شیرازیها با سلسله آل بویه

اغلب منابع سلسله شیرازی کیلوا را به خاندان آل بویه مرتبط می‌دانند. دوباروس مؤسس این سلسله را سلطان‌الحسن شیرازی می‌داند. وقایع‌نامه کیلوا او را حسن بن علی سلطان شیرازی می‌نامد. احتمال داده می‌شود که مردم فخرالدوله ابوالحسن علی را سلطان حسن می‌نامیدند، چنانکه پدرش امیر علی الحسن به سلطان علی الحسن معروف بود. منابع مؤسس سلسله را سلطان علی بن حسن یا پسرش سلطان حسن بن علی ذکر می‌کنند. فقط يك منبع یعنی خمیس محمد الباجمی عقیده دارد که مؤسس سلسله کیلوا معزالدوله سلطان بغداد است که پسری داشت به نام حسین که امیر شیرازی بود و پسر او علی اولین سلطان کیلوا شد. يك نسخه وقایع‌نامه که در موزه بریتانیا است این مطلب را تأیید می‌کند به این معنی که نام مؤسس سلسله را علی بن حسین ذکر کرده است که می‌تواند نوه معزالدوله باشد ولی ممکن است در استنساخ نام حسن و حسین اشتباه رخ داده باشد.

مطلب دیگر آن که اغاب منابع زادگاه مؤسس سلسله کیلوا را شیراز ذکر می‌کنند و نه ایران و عات این امر آن است که شیراز به خاطر ساختن خنجرهای عالی در آفریقای شرقی شهرت داشت. شیراز - در آن روزگار - بزرگترین شهر و مرکز تجارت جنوب ایران بود. از آنجا فرش و قالی و خنجر و عطر و ظروف سفالی صادر می‌شد و به همین جهت ناحیه جنوب ایران به نام شیراز معروف بود. نظایر این مطلب زیاد است. از جمله آنکه در قفقاز اهالی جنوب ایران را شیرازی می‌خوانند و در سیبری به مردم قسمت اروپایی روسیه را مسکوی می‌گویند.

همه منابع این مهاجرت را در حدود سال ۳۶۴ تا ۳۶۵ هـ (۶ - ۶۹۷۵ م) ذکر می‌کنند که کمی قبل از وفات امیر بزرگ و به طور قطع در زمان پسرش ابوالحسن عالی است. ممکن است علت مهاجرت وی اختلاف سلطان بغداد با پدرش و احتمال از دست دادن خطه حکمرانی خود بود و انتخاب آفریقای شرقی از آن جهت بود که در آن زمان وصف ثروت و غنایم آن در بین مردم و در میانوردان رواج داشت.

شاید علت آنکه ابن اثیر از مهاجرت این شاهزاده و تأسیس سلسله کیلوا ذکری نکرده آن باشد که این واقعه از افق مطالعات وی دور بوده و مؤسس سلسله کیلوا از شاهزاده‌های نیرومند و معروف آل بویه به شمار نمی‌آمده و مسافرت وی به آفریقای شرقی در میان ایرانیان واقعه مهمی تلقی نشده است.

در جستجوی کشور تازه

از قرار معام پس از رسیدن به آفریقا این شاهزاده با ساکنین بنادر که سنی بودند مواجه می‌شود. اینها حاضر نبودند از یک شاهزاده شیعه

اطاعت کنند و در نتیجه شاهزاده ایرانی مجبور می‌شود با آنها بجنگد. اول مگادیشو و براوا Barawa و مرکا Merka و پاته Pate را به تصرف درمی‌آورد و در هر يك از این شهرها حاکمی از طرف خود می‌گمارد و عده‌ای عسکر باقی می‌گذارد و خود به سمت جنوب می‌رود تا محل مناسبی برای استقرار پیدا کند.

پس از مدتی به حوالی شهر مالیندی Malindi می‌رسد. این شهر در اثر جنگ منهدم می‌شود و در کنار آن شهر دیگری بنا می‌کند که مالیندی کنونی بر روی آن ساخته شده است. این اولین شهری بود که مؤسس سلسله کیلوا بنا کرد و ظاهراً خیال داشت آن را پایتخت خود قرار دهد ولی معلوم نیست بچه‌امت از این خیال منصرف شد و به نواحی جنوبی‌تر روی آورد در خرابه‌های قدیم مالیندی آثار ایرانی دیده می‌شود در اطراف شهر قبرهای ایرانی وجود دارد در دیوار بعضی از خرابه‌ها ظروف سفالی ایرانی که برای تزئین قرار می‌دادند پیدا شده است.

پس از مدتی به جزیره مومباسا Mombasa که بندرگاه طبیعی خوب داشت و اطراف آن سرسبز و حاصلخیز بود رسید. در اینجا قلعه محکمی بنا کرد و عساکر چهارمین کشتی خود را در آنجا باقی گذاشت در این محل بعدها بندر بزرگ مومباسا بوجود آمد.

از قرائن چنین برمی‌آید که شاهزاده قصد داشت در صورتی که در سمت جنوب محل مناسبی پیدا نکند باین محل مراجعت کرده و آنجا را پایتخت خود قرار دهد. بهمین جهت باین نقطه توجه بیشتری مبذول داشت و حتی محلی برای ساختمان قصر آینده خود انتخاب کرد. مسعودی که در سال ۹۱۵ میلادی به آفریقای شرقی مسافرت کرد از مومباسا ذکر نمی‌کند زیرا در آن زمان هنوز این بندر بوجود نیامده بود ولی ادریسی که در ۱۱۵۴ میلادی

باین ناحیه مسافرت کرد از آن ذکر کرده و درباره آن می نویسد «شهر بزرگ و ثروت مندی است و سلطان آن بر همه ساحل آفریقای شرقی تا مگادیشو تسلط دارد».

امیر علی پنجمین کشتی خود را به جزیره پمبا Pemba فرستاد و آن جزیره را متصرف شد و قصری در آنجا ساخت و عده ای از سربازان خود را در آنجا مستقر ساخت. هفتمین کشتی خود را به جزائر کمورو Comoro در تنگه موزامبیک فرستاد و در آنجا پادگان برقرار کرد و خود با بزرگترین کشتی به کیلوا کیسیوانی رسید.

تأسیس کیلوا پایتخت جدید

وقتی در جزیره کیلوا پیاده شد مشاهده کرد که عده ای از مسلمانان سننی با بومیان مخصوصاً بومیان ساکن قاره رابطه تجارتنی دارند. وضع جغرافیائی این جزیره و بندرگاه مناسب و حاصلخیزی نواحی ساحلی و تعداد جمعیت بومی و وفور طلا و عاج و برده اورا بر آن داشت که این محل را پایتخت خود قرار دهد. برای ایجاد حسن رابطه با بومیان حاضر شد جزیره کوچک را از آنها خریداری کند و قیمتی که پرداخت عبارت بود از آن مقدار پارچه ساخت ایران که طول آن دورتادور جزیره را بگیرد. در سال ۹۷۷ میلادی کاخ مستحکمی ساخت و شهری در آنجا بنا کرد. تنگه کم عمق بین جزیره و قاره را عمیق کرد تا شهر از حمله ناگهانی بومیان ساحلی در امان باشد نام شهر را «کیلوا کیسیوانی» نهاد که به زبان سواحلی یعنی کیلوا در جزیره زیرا شهرهای دیگر بنام کیلوا نیز وجود داشت.

طولی نکشید کیلوا شهری بزرگ و ثروت مند و مرکز تجارت با ساحل آفریقای شرقی گردید در سال ۱۵۰۰ میلادی کیلوا ۳۰۰ مسجد سنگی و

قصرهای زیبا داشت و حصار مستحکمی با برج و بارو دور شهر ساخته شده بود. دریکی از کتب تاریخ آفریقای شرقی تصویری از یکی از مساجد کیلوا دیده می‌شود که ۴ ستون دارد و ساختمان را به چهار قسمت که هر کدام گنبدی دارد تقسیم می‌کند. خرابه‌های قسمتی از این مسجد هنوز پابرجاست. اهل محل این خرابه‌ها را ابنیه شیرازی می‌نامند. نویسندگان و سیاحان از جمله یاقوت و ابن بطوطه از این شهر یاد کرده‌اند.

علی بن حسین بر کلیه سواحل از لامو در شمال تا سوفالا Sofala تسلط پیدا کرد و همه ایالات نیمه‌مستقل را زیر فرمان خود قرارداد و سلسله زنگ را تشکیل داد. این سلسله متجاوز از ۵۰۰ سال بر این نواحی حکومت کرد و ۵۱ سلطان داشت. اسامی سلاطین کیلوا و سلسله نسب آنها و مدت حکومت هر یک و جنگها و مبارزات آنها در وقایع نامه کیلوا و کتاب تاریخ دوباروس ضبط است و شرح آنها در این مختصر زائد بنظر می‌رسد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

قوم سواحلی (واسواحیلی)

قوم واسواحیلی از اختلاط اعراب و ایرانیها با بومیان آفریقائی بوجود آمد و آنان در اطراف شهرها و آبادی‌های اعراب و ایرانیان زندگی می‌کردند. همین که عده آنها زیادتر شد به نواحی مختلف ساحل پراکنده شدند. تعداد آنها با مهاجرت متعدد افراد عرب و ایرانی به تدریج زیاد شد و اغلب آنها مسلمان شدند و مذهب اسلام باعث اتحاد آنها شد به طوری که از قبایل دیگر آفریقایی که اغلب بی‌مذهب بودند متمایز گردیدند.

شاخه جنوبی قوم واسواحیلی در زمان سلطنت سلاطین کیلوا رونق بیشتری پیدا کرد. در قسمتهای شمالی و جزائر مجاور آن قوام سواحیلی از

اختلاط قبایل بنتو Bantu با اعراب بوجود آمد. در نتیجه افراد سواحیلی از حیث زبان و شکل و آداب و رسوم با افراد سواحیلی قسمت شمال فرق دارند.

وقتی اعراب عمان و مسقط بر زنگبار مسلط شدند و سلطنت زنگبار را تشکیل دادند وحدت زیادتری بین قوم سواحیلی ایجاد شد.

زبان سواحلی (سواحیلی)

درباره زبان سواحیلی در فصل دیگر کتاب به تفصیل بحث شده است. در این جا ضروری بنظر می رسد اشاره شود که زبان رایج بین اقوام و قبائل مختلف سواحل افریقای شرقی سواحیلی نامیده می شود. اغلب قبائل علاوه بر زبان بومی خود باین زبان نیز تکلم می کنند ولی در زنگبار و جزائر اطراف آن و کشور تانزانیا سواحیلی زبان رسمی محسوب می گردد. این زبان از اختلاط زبان افریقائی بنتو و واژه های فارسی و عربی بوجود آمده است. کلمات فارسی آن به لهجه مردم فارس و جنوب ایران یعنی لهجه شیرازی تلفظ می شود. از جمله کتاب را کتاب و قلم را کلمو و حساب را حسابو تلفظ می کنند و این گونه کلمات در این زبان بسیار است. مطالعه دقیق در زبان سواحیلی میتواند مؤید منابع تاریخی قرار گیرد.